

الزامات تمدن نوین اسلامی

الزامات تمدن نوین اسلامی

رضا رستمی زاده [1]

چکیده:

مهمترین دغدغه خاطر پیروان دلسوز دین اسلام در هر زمان، دفاع از باورهای دینی و حمایت از اصول و فروع دین اسلام در زبان و عمل است. هر اندازه این پیروان با هم فکری و با تکیه به قرآن و منابع اصیل اسلامی هم فکر و هم پیمان شوند، حرمت دین اسلام در عین سرافرازی حفظ می گردد و در صورت ثبات و دوام مستمر آن، نقاط ضعف گذشتگان اصلاح می گردد و به شکل گیری تمدن نوین اسلامی می انجامد [2].

از این الزامات می توان اصل عدل و دادگری، احسان و نیکوکاری و تقدم مصالح معنوی بر منافع مادی را نام برد. این اصول در جامعه ای که افرادش یکدل و یک زبان برای رسیدن به امنیت اقتصادی، عاطفی و معنوی می کوشند معنا و مفهوم متعالی پیدا می کند.

1- مقدمه

با نگاهی گذرا به آموزه های دینی می توان دریافت که اسلام تاکید بسیار بر ترویج ارزش های فرازیستی دارد و به این وسیله به بسترسازی در جهت ایجاد روحیه اجتماعی سالم پرداخته است و جلوه های کمال آن تمدن اسلامی نام می گیرد و امروزه نیاز به احیاء دارد که می توان از آن به تمدن نوین اسلامی یاد کرد.

در تمدن نوین اسلامی نگرش شخصی و رفتاری آدمی همه حکایت از احساس مسئولیت وی در برابر اوضاع اجتماعی می کند. در چنین فضایی هر یک از مسلمانان درصدد برمی آیند ضمن شناخت اوضاع اجتماعی و با روحیه تاثیر گذاشتن بر عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی- که وضع موجود را پدید آورده اند- به بهسازی اوضاع پردازند و سرافرازی و سربلندی مسلمانان و اسلام را در همه جهان به ظهور رسانند. در این راستا مواردی همچون سودرسانی به دیگران، نیکوکاری، ایثار و فداکاری، حمایت از مستضعفان و یتیمان و بسیاری از این دست ویژگی ها عامل پیوند افراد جامعه با یکدیگر می شود که می توان از آنها به عنوان الزامات تمدن نوین اسلامی نیز یاد کرد و اصالت این موضوعات در آن است که توسط خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیان شده است. [3]

بنابراین اساس تمدن نوین اسلامی ایجاد پیوند مستحکم و سالم و مستمر با تکیه با این الزامات میان افراد است و ارزش عینی این خصائص آن است که بدین وسیله نیازهای مادی و معنوی همه افراد در جامعه بهتر تامین می گردد و از این طریق وحدت و الفت میان آحاد جامعه برقرار می گردد. با این رویکرد این مقاله در دو بخش تنظیم گردیده است، در بخش اول به ویژگی های تمدن نوین اسلامی اشاره می گردد و در بخش دوم به نشانه های جامعه سالم در تمدن نوین اسلامی می پردازد.

جان کلام آنکه تمدن نوین اسلامی در پی آن است که انسان ها براساس تامین مصالح مادی و معنوی خویش با هم متحد گردند و جامعه واحد و امت واحد را در اوج امنیت تشکیل دهند.

2- اصول تمدن نوین اسلامی

احیای تمدن اسلامی در گرو زندگی اجتماعی سالم و رفتار مناسب افراد با یکدیگر است و برای آن باید

اصول و ویژگی‌هایی در نظر گرفت تا تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح شکل گیرد. در اینجا به مهمترین این اصول اشاره می‌شود:

2-1- توجه به اصل عدل و دادگری

زمانی که زندگی اجتماعی در راستای تامین نیازهای مادی و معنوی تمام افراد باشد، همگان به منافع مادی و مصالح معنوی خود می‌رسند البته به شرطی که رفتار همه افراد در جامعه در جهت تحقق این امر باشد. از این رو رفتار اجتماعی هر یک از افراد در صورتی درست و ارزشمند است که به تحقق مصالح کلی جامعه منجر شود؛ و اگر برای آنکه فرد یا افرادی به منافع خود برسند عده‌ای دیگر از مزایای زندگی سالم محروم گردند مسلماً در چنین وضعی طبقه محروم هیچ انگیزه‌ای برای مشارکت ندارند. چون آشکارا می‌بینند زحمات آنان نتیجه‌ای برای خودشان ندارد؛ لذا نخستین اصل که باید به عنوان ملاک مناسب در زندگی اجتماعی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مدنظر قرار گیرد اصل عدل است. خداوند در قرآن مجید در چندین مورد فرمان به عدل می‌دهد: «إِذْ دَلُّوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» «عدالت کنید که آن به پرهیزگاری نزدیکتر است» (مائده/ 8) ، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» «همانا خدای به داد فرمان می‌دهد». (نحل/ 90)

در معنای ساده‌ای که از عدل قرار دادن هر چیز در جای خودش آمده است. (حق پرست، 1386ش، ص 161) عقل چنین حکم می‌کند که تمدن نوین اسلامی هر فرد به اندازه‌ای که در زندگی اجتماعی و تحصیل منافع برای جامعه اثرگذار است از نتایج فردی اجتماعی آن بهره‌مند شود.

البته باید توجه داشت که چون آدمی خود به تنهایی قادر به تامین همه منافع خویش نیست، بنابراین نسبت به کاری که برای جامعه انجام می‌دهد جا دارد از روی عدل معادل همان کار خود را از جامعه دریافت کند ولی این امر در جامعه امروزی چندان رعایت نمی‌گردد و شاید هم امکان پذیر نباشد. در تمدن نوین اسلامی هرچند که باید برنامه ریزی و دقت برای تحقق این امر صورت گیرد اما تحقق آن کار بسیار سنگین و بعید می‌نماید، چراکه دستاوردهای زندگی اجتماعی حاصل جمع عددي فعالیت‌های افراد نیست و به واقع منفعی که نصیب جامعه می‌شود به شکل تصاعدي افزایش می‌یابد از این رو روا نیست که هر فرد تنها به اندازه نیرویی که مصرف می‌کند از مزایای اجتماعی بهره‌مند شود بلکه باید مجموع منافع به نسبت فعالیت‌های اعضای جامعه میان آنان تقسیم گردد و این همان مفهوم بیت المال است که در آغاز شکل‌گیری جامعه اسلامی مطرح شد و از نظر اسلام اصل عدالت اجتماعی هم که از الزامات اصلی تمدن اسلامی به حساب می‌آید، با بیت المال گره خورده است که در جای خود اندیشمندان به آن پرداخته

اند (ناطقى، 1381ش، م128) و در این مجال از پرداختن به آن صرف نظر می شود.

2-2- توجه به اصل احسان

احسان به نفع و مصلحتی گفته می شود که به کسی که در ظاهر مستحق آن نیست عطا می شود و در صورت ترک آن حتی از او ضایع نمی گردد بلکه تنها نفعی از او سلب می گردد. اما از آنجا که در هر جامعه به طور طبیعی افرادی یافت می شوند که دارای شرایط استثنایی بوده و بنا به مشکلات جسمی و روحی تنها با کار خود قادر به تامین نیازهای زندگی خویش نیستند (مصباح یزدی، 1376ش، ج3، م33) اینجاست که اصل احسان کاربرد پیدا می کند. احسان نشانه همکاری اجتماعی پاک و سالم برای رفع مشکلات اینگونه افراد است. طبیعی است که برخی از افراد جامعه به واسطه جسم سالم و توانا و ضریب هوشی بالا به بهره مندی بیشتری از امکانات و منابع طبیعی و خدادادی دست پیدا می کنند و برخی افراد هم به واسطه ناتوانی و معلولیت مادرزادی و یا آسیب دیده از حوادث طبیعی بهره کمتری خواهند داشت و اگر بنا باشد تمدن تنها براساس توجه به اصل عدل معنا پیدا کند و اگر این امر تعیین کننده روابط اجتماعی باشد نتیجه این خواهد بود که ناتوانان و معلولان و آسیب دیدگان از تامین نیازمندی های مادی و معنوی خود محروم بمانند و این مناسب با روح تمدن اسلامی و ایجاد همبستگی و وحدت میان آحاد جامعه اسلامی نیست لذا اصل عدل هرچند اصل مهمی است اما به تنهایی نمی تواند معیار ارزش گذاری در شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد. به همین خاطر اصل احسان برای جبران کمبود و نیازهای افرادی است که قادر به کار آن چنانی نیست و افراد توانمند به ایشان رسیدگی می کنند و اینجاست که خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» «همانا خدای به داد و نیکوکاری فرمان می دهد».

(نحل / 90)

براساس مرام قرآن برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی، توجه به التزام عدل و احسان با هم مدنظر است و نکته مهم این است توجه به اصل احسان به تنهایی نیز در تمدن نوین اسلامی حافظ ارزش های دین اسلام نخواهد بود زیرا «اگر براساس زندگی اجتماعی تنها بر احسان باشد انگیزه فعالیت و مشارکت در زندگی اجتماعی برای رسیدن به تمدن پایدار و پاک و سالم تضعیف می گردد و گاه باعث می شود که برخی زندگی را فقط با تن آسائی و راحت طلبی بگذرانند و از دستاوردهای فعالیت های دیگران بهره ببرند و این باعث به هم ریختگی نظام اجتماعی و تزلزل تمدن اسلامی می شود». (نور محمدی، 1390ش، م44)

امام خمینی (ره) در این باره می گوید: کسانی که توانایی کار کردن دارند و به خاطر تنبلی و کم کاری دچار فقر شده اند نمی توانند زکات بگیرند و نباید به آنان زکات داده شود. (امام خمینی،

البته ناگفته نماند که احسان به خودی خود و فی نفسه مطلوب است و آثار مفیدی را در پی دارد از جمله:

الف: ترویج و رشد مهر و محبت میان احسان کنندگان و دریافت کنندگان. امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خویش می فرماید: حق احسان کننده این است که در مقابل احسانی که کرده از او تشکر نمایی و احسانش را به زبان آوری و او را به نیکی یاد کنی و خالصانه در حق او دعا کنی تا در نهان و عیان از او قدردانی کرده باشی و بر خود چنین قرار دهی که هر وقت توانایی پیدا کردی احسان او را جبران کنی. (مدوق، 1414ق، ج 13، ص 622، ح 3217؛ شعیری، 1414ق، ج 3، ص 714)

همانطور که مشاهده می شود امام سجاد (علیه السلام) از احسان به نیکی یاد می کند اما در عین حال بر این مساله تاکید دارد که دریافت کننده احسان در نیت و عمل در جهت جبران احسان برآید.

ب: احسان کننده به واسطه احسانی که می کند از انواع خطرهای و بلایای طبیعی، شیطانی و تنگ نظری های ویران کننده در امان می ماند و خدا او را حمایت می کند و حتی بنا به وعده های الهی سرمایه اش در دنیا و آخرت چند برابر می گردد.

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَرْبَدَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْزَفَقُوا مَذًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» «مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کنند چون دانه های است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه است و خدا برای هر که بخواهد دو برابر می کند که خدا وسعت بخش و دانا است. کسانی که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند و سپس آنچه را که انفاق کرده اند به منت و آزار دنبال نمی کنند پاداش آنها پیش پروردگارشان است و آنان نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند». (بقره/ 261 و 262)

3-2- توجه به اصل تقدم مصالح معنوي بر منافع مادي

آنگاه که تامین نیازهای مادی با رعایت مصالح معنوی در تعارض قرار می گیرد اساس تمدن اسلامی با تکیه بر فطرت و پاکی بر طبق حق آن است که مصالح معنوی بر منافع مادی مقدم گردد زیرا در نگاه دین اسلام هدف وسیله را توجیه نمی کند. پس اگر در جامعه ای همه نیروهای مردم صرف پیشرفت مادی شود به طوری که از توجه به حفظ و رشد معنویات غافل شوند، آن زندگی اجتماعی سالم که قابل قبول فطرت باشد حاصل نمی شود. پس از الزامات تمدن نوین اسلامی این است که منافع مادی باید در مسیر رشد معنویات انسانی باشد و در زندگی اجتماعی روابط افراد بر اساس این ملاک تنظیم گردد. فرق جامعه و تمدن اسلامی با غیر آن در همین است که غیر مسلمانان و کافران دست به هر اقدامی می زنند تا مومنان و مسلمانان را تحت تسلط خود قرار دهند و در این راه هیچ مرزی برای خود و دیگران قائل نیستند در قرآن آیات فراوانی مومنان و مسلمانان را از دوستی با کافران بر حذر می دارد [4] و در روایات و احادیث بسیاری نیز آمده است که با مفسدان اخلاقی معاشرت نکنید چراکه همنشینی با آنان بر مصالح معنوی آدمی اثر منفی می گذارد تا آن حد که زیان غیر قابل جبران را موجب می شود. [5]

در مجموع باید گفت با توجه به این سه اصل، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و پیوند زندگی آنان به یکسان و در یک سطح قرار نمی گیرد بلکه وضع حال مردم و به تبع آن شکل گیری تمدن فراز و نشیب پیدا می کند و شدت و ضعف ها و تفاوت هایی در اقشار مختلف جامعه پیدا می شود و باعث می گردد که حقوق و تکالیف اجتماعی تازه و نوعی تقسیم وظیفه میان افراد پیدا شود و این امر باید به گونه ای اداره شود که شالوده تمدن اسلامی حفظ گردد. در تمدن نوین اسلامی تکلیف فرد در برابر یکایک افراد جامعه کاملاً یکسان نیست بلکه به تناسب ارتباط -همچون دوستی، همنوعی و خویشاوندی- تفاوت می یابد. همچنین حقوقی که افراد نسبت به یکدیگر دارند تحت تاثیر این عوامل دارای درجات مختلف و کیفیت های گوناگون خواهد بود.

پس در واقع باید پذیرفت که به کارگیری اصول و معیارهای سه گانه در شکل گیری تمدن اسلامی براساس تفاوت در ارتباط اجتماعی افراد فراز و نشیب پیدا می کند و از این رو در روابط افراد با یکدیگر اولویت بندی صورت می گیرد و ترتیب اهمیت در آنها لحاظ می شود و موید این امر کلام خداست آنجا که می فرماید: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْدَ هُؤُلَاءِ أَوْلَىٰ لَهُمْ» [وَلَمَّا بَرَّيْعَهُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ] «و در کتاب خدا خویشاوندان، بعضی شان بر بعضی دیگر اولویت دارند». (انفال/ 75)

از همین روست که در اسلام حقوق افراد در بخش های مختلف همانند خویشان، همسایگان، همنوعان و ... مطرح شده است.

با توجه به مزایای تمدن اسلامی و اینکه مسیر سعادت آدمی از پیروی دین اسلام می گذرد انتظار می رود که جامعه سالم و مطلوب هم تنها در سایه تمدن نوین اسلامی نمایان گردد، پس بررسی ویژگی های جامعه صالح از الزامات تمدن نوین اسلامی به حساب می آید. چه بسیار جوامعی که به ظاهر زندگی اجتماعی در آنها جریان دارد ولی افراد تنها در کنار هم نفس می کشند بی آنکه بتوانند بستر ساز رشد انسانیت و عواطف و معنویت باشند و تنها زندگی زیستی را تجربه می کنند (موسوی لاری، 1385ش، ص86) اما آنگاه که نظام اجتماعی منطبق با اصول نظام آفرینش و تعالیم اسلامی و الهی باشد روابط انسانی سالم براساس معیارهای صحیح و الهی استوار می گردد و این چنین تمدن نوین اسلامی معنا پیدا می کند. با نگاهی اجمالی به آموزه های قرآنی و دینی می توان نشانه های جامعه سالم را در موارد زیر خلاصه کرد:

3-1- تضمین امنیت جانی

نخستین و مهمترین اصلی که افراد جامعه در برابر آن مسئولند و همه باید برای آن بکوشند حفظ جان یکدیگر است و اسلام نیز بر این موضوع تاکید کرده است و تعرض به جان افراد و آسیب رسانی به یکدیگر و قتل را گناه کبیره و نابخشودنی برمی شمرد و کشتن یک نفر را برابر با قتل تمام مردم می داند: «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَوْحَظَ نَفْسًا فَكَأَنَّمَا أَوْحَظَ النَّاسَ جَمِيعًا» «مقرر داشتیم که هر کس شخصی را به جز قصاص قتل یا به کیفر فساد در زمین بکشد پس گویا همه مردم را کشته است و هر کس شخصی را زنده بدارد پس گویا همه مردم را زنده داشته است». (مائده/32)

پس تحقق «حفظ حیات انسانی» از الزامات تمدن نوین اسلامی است و اسلام برای این امر راهکارهای مناسبی ارائه می دهد از جمله:

الف: وضع قوانین مناسب مانند قصاص و دیه برای جلوگیری از هرج و مرج و قتل و کشتار. (بقره/ 179)

ب: ضرورت دفاع از جان یکدیگر. (ر.ک. احمدی، 1383ش، ص78)

ج: لزوم پرهیز از فراهم سازی زمینه آسیب به جان یکدیگر مانند کلام آسیب زا، گواهی نادرست و کتمان

گواهی: «وَلَا تُلَاقُوا بِأَيِّدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» «خود را به دست خویش به هلاکت میفکنید».
(بقره/195)

د: ضرورت نجات جان یکدیگر به هنگام خطر: «وَلَا يُوْثِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَلَا وَكَانَ بِهِمْ خَصَامَةً» «و آنان را بر خویشتن برمد گزینند هر چند که خود بدان نیازمند باشند». (حشر/9)

ه: جلوگیری از پایمال شدن حق و حقوق و خون دیگران: «أَنْ تَصْرِبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» «مبادا نادانسته به مردمی آسیب رسانید، و آنگاه بر آنچه کردید پشیمان گردید». (حجرات/6)

یکی از سوره هایی که در مجموع به موارد شفاف تر از دیگر آیات اشاره کرده سوره حجرات است که طی 18 آیه نزدیک 50 حکم اخلاقی و اجتماعی را برای دفع آسیب های اجتماعی و تضمین امنیت جانی و شکل گیری جامعه سالم ارائه داده است. (با بازاده، 1381ش، ص 90)

2-3- تضمین امنیت اقتصادی

منظور از امنیت اقتصادی آن است که افراد جامعه از رفاه نسبی برخوردار بوده و سرمایه هایشان مورد دستبرد اشخاص حقیقی و حقوقی قرار نگیرد پس باید حدود آزادی و فعالیت اقتصادی افراد در جامعه سالم روشن گردد تا از هرگونه زیان مالی به آنان جلوگیری شود و چون روابط اجتماعی به طور طبیعی به تضاد منافع افراد در جامعه می انجامد بنابراین هرگونه اضطراب و نگرانی از جهت عدم تامین امنیت مالی و اقتصادی زیرساخت های جامعه سالم را به خطر می اندازد.

دین اسلام دارای نظام جامع اقتصادی است و معیارهایی در این نظام تعیین گشته است که کلیه فعالیت های اقتصادی باید در چارچوب آن معیارها انجام پذیرد و از این طریق منافع تمام انسان ها تامین شده و از ظلم و نابرابری ها جلوگیری می شود مثلاً برای ایجاد رفاه نسبی معیارهای زیر مدنظر اسلام است:

الف: ایجاد روحیه مشارکت عمومی در تامین زندگی نیازمندان و لزوم توجه به نیاز دیگران. حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود می فرماید: «خدا را خدا را در مورد افراد فقیر و تهیدست به یاد داشته باشید و آنان را در زندگی خود شریک سازید». (کلینی، 1365ش، ج 7، ص 5، ح 7)

ب: کمک مالی به نزدیکان نیازمند و تشویق آنان. قرآن کریم مسلمانان مورد عتاب قرار می دهد که چرا نسبت به نیازمندان گام بر نمی دارید و بر اطعام مساکین یکدیگر را تشویق نمی کنید: «كَذَّٰلِكَ لَا تُكَرِّمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلٰى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» «نه چنان است- نه آن کرامت است و نه این اهانت-، بلکه یتیم را گرامی نمیدارید- او را از ارثش محروم مینمایید و مالش را مینخورید- و یکدیگر را بر طعام دادن بینوا برنمیدانگیزید». (فجر/ 17 و 18)

ج: بکارگیری روش های مناسب برای تامین نیازمندان. (سید رضی، 1386ش، حکمت 319)

د: اجرایی شدن حکم های اقتصادی اسلامی همچون خمس، زکات، زکات فطریه، کفارات، صدقه، حق مظلوم و قرض الحسنه. درباره تحقق این احکام در کتب فقهی با تکیه بر سخن معصومان (علیهم السلام) به طور مفصل به آن پرداخته شده است. [6]

ه: واگذاری ثروت های اضافی شخص به دیگران در قالب هبه، نذر، وقف و تحت پوشش قرار دادن طبقات پایین جامعه و تامین زندگی آنان از بیت المال. حضرت علی (علیه السلام) در نامه 53 به مالک اشتر سفارش می کند: «خدا را خدا را در مورد طبقه پایین، آنان که راه چاره ای ندارند، یعنی تهیدستان و نیازمندان و مستمندان و از کار افتادگان، آنان را در نظر داشته باش. در این طبقه هم افرادی هستند که روحیه طلب و درخواست دارند و هم افرادی هستند که طلبی نمی کنند و باید بدون آنکه درخواستی کنند به آنان عنایت و بخشش شود. لذا بر اساس آنچه خدا به تو فرمان داده عمل نما و از بیت المال و غلات زمین های اسلامی در هر محل به آنان عطا کن. (سید رضی، 1386ش، نامه 53)

این موارد پنجگانه نباید به گونه ای تحقق یابد که از رونق اقتصادی در جامعه اسلامی کاسته شود به همین دلیل در اسلام برای رونق اقتصادی تدابیر ارزشمندی در نظر گرفته است و برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی و تجلی جامعه سالم شایسته است که به این موارد توجه کامل شود:

الف: تشویق افراد به اشتغال و پرهیز از بیکاری، پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: «از رحمت خدا به دور است آن کس که بار زندگی خودش را بر دوش دیگران می گذارد. (کلینی، 1365ش، ج 4، ص 12، ح 9)

ب: به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی افراد در عین ضرورت عدم تعرض به اموال دیگران و پرهیز از خیانت در اموال. البته اسلام برای مالکیت افراد شرایطی را در نظر گرفته است مثلاً دستیابی به سرمایه

باید از راه های صحیح و حلال صورت گیرد نه از راه باطل. در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِبَيِّنَاتٍ بَالِغَةٍ» و اموال یکدیگر را از راه باطل نخورید» (بقره/ 188) و یا اینکه هر نوع فعالیت اقتصادی نباید سبب ضرر دیگران شود «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام».

آری در جامعه سالم دینی هر انسانی حق دارد کار و کسب مشروع داشته باشد و از حق مالکیت خصوصی برخوردار باشد در عین اینکه فعالیت های اقتصادی افراد نباید موجب از بین رفتن حق دیگران یا ترویج و استقرار امر باطلی گردد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «مال مسلمان همچون خون او محترم است». (حرعاملی، 1409ق، ج12، ص280، ح16308) و آن حضرت (صلی الله علیه و آله) در جای دیگری می فرماید: «خیانت به مال دیگران فقر را به دنبال می آورد». (کلینی، 1365ش، ج5، ص133، ح7)

در دین اسلام مال به دست آمده از خیانت در اموال، حکم مالی را دارد که از طریق دزدی به دست آمده است و معامله و خرید و فروش آن جایز نیست و فردی که از روی ظلم به مال و یا حق دیگری مسلط شود به او غاصب می گویند.

ج: ممنوعیت از زراندوزی و افزون خواهی و اسراف و تبذیر؛ در قرآن علاوه بر اینکه افزون خواهی در اموال نکوهیده شده است [7] به عواقب دردناک اخروی فزون خواهی و زراندوزی نیز هشدار داده شده است [8] و به همین خاطر در توصیف نمازگزاران واقعی و مومنان صالح می فرماید: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» «در مالهایشان برای خواهنده نیازمند و تنگ‌روزی بدی بهره حقی بود». (ذاریات/ 19)

و در سوره ای دیگر آمده است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا مَعْلُومٌ لِّلِسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» «و آنان که در مال هاشان حقی است معلوم- مانند زکات و صدقات- برای نیازمند خواهنده و بینوای درمانده». (معارج/ 24 و 25)

حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود می فرماید: «خدا را خدا را در مورد افراد فقیر و تهیدست به یاد داشته باشید و آنان را در زندگی خودتان شریک سازید». (کلینی، 1365ش، ج7، ص5، ح7)

با دوری از فزون خواهی و زراندوزی جلوی اسراف یعنی زیاده روی در مصرف به گونه ای که خارج از متعارف باشد، گرفته می شود و از تبذیر و ریخت و پاش و بیهوده و ناجا مصرف کردن دارایی جلوگیری می شود. [9]

د: تحریم ربا، قمار، رشوه و احتکار و ممنوعیت از شیوه های کاذب و درآمذرا. آنچه در دین اسلام بر آن بسیار تاکید شده همین پرهیز از حرام خواری، تقلّب و کلاهبرداری است. کم فروشی و خوردن مال یتیم از یک طرف و تبعیض از بهره برداری از منابع طبیعی و عمومی از طرف دیگر موجب خسارت های عظیم و حتی غیرقابل جبران می گردد. به همین دلیل در جامعه سالم باید مجازات های حقوقی قاطع برای متجاوزان به اموال دیگران در عین جبران خسارات افراد آسیب رسان در نظر گرفته شود و نظارت صحیح و سالم در داد و ستدها وجود داشته باشد و منابع طبیعی به نفع عموم مردم در اختیار دادگران قرار گیرد.

3-3- تضمین امنیت عاطفی

روابط عاطفی در پیوستگی اعضای جامعه نقش بسزایی دارد؛ در اسلام رفتارهایی مانند سخن چینی، اختلاف افکنی که روابط عاطفی را تیره و تار می کند از مفسد اجتماعی است چراکه بذر اختلاف را در میان آحاد جامعه می باشد و افراد را بر ضد یکدیگر برمی انگیزد به همین خاطر در جامعه سالم هر رفتاری که موجب محبت و دوستی میان افراد گردد و زمینه رشد و بالندگی روابط عاطفی را فراهم سازد در اسلام تشویق شده است.

پیامبر اسلام (صلي الله عليه و آله) در این باره می فرماید: بنده ای که خداوند متعال رحم و مهربانی نسبت به مردم را در دل او قرار نداده ناکام و زیانکار است. (پاینده، بی تا، ح 1434)

امام علی (علیه السلام) نیز می فرماید: مومن کسی است که هم با دیگران انس می گیرد و هم دیگران به او گرایش و الفت دارند آن کس چنین نباشد خیری در او نیست. (کلینی، 1365ش، ج 2، ص 102، ح 17)

تحقق اهداف در اسلام و شکل گیری تمدن نوین اسلامی در گرو جامعه ای سالم و باصفاست. جامعه ای که روابط اعضای آن با هم دوستانه و صمیمی است و انس و الفت آنان باعث نزدیکی و سرعت بخشی و تحقق بهتر اهداف زندگی اجتماعی می شود.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) می فرماید: مهربانی و محبت ورزی به مردم نیمی از خردورزی است. (کلینی، 1365ش، ج 2، ص 634)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: نسبت به مردم محبت بورز تا آنان نیز نسبت به تو محبت بورزند و هرگاه یکی از برادرانت را دوست داری آن را به وی اعلام کن و هرگاه هرگاه فردی را دوست داری آن را

به اطلاع وي برسان زیرا اين کار دوستي و محبت ميآن شما دو نفر را پايدارتر مي سازد. (كليني، 1365ش، ج2، ص 642 ، ح1)

امام حسن مجتبي (عليه السلام) در سخني زيبا و محبت آميز مي فرمايد: فرد نزديک به شما کسي است که محبت و دوستي اش، او را به شما نزديک نموده است اگرچه از نظر نسبت خانوادگي با شما فاصله داشته باشد. فرد دور از شما کسي است که بي محبتي او را از شما دور ساخته اگرچه از نظر نسبت خانوادگي به شما نزديک باشد. (كليني، 1365ش، ج2 ، ص643)

4-3- تضمين امنيت معنوي

خداوند در قرآن کریم مي فرمايد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، وَتَكُونِ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» و بدین گونه ما شما را امتي ميانه (و معتدل) قرار داديم تا بر مردم گواه باشيد و پيامبر (صلي الله عليه و آله) نيز بر شما گواه باشد». (بقره/ 143)

امت اسلامي، امتي معتدل در تمام زمينه هاست. مهمترين وجه تعادل اين امت عقیده صحيح و حفظ و رشد ارزش هاي مادي و معنوي با هم است که نه کاملاً مانند اکثر ملت ها در جهان مادي فرو مي روند که ديگر هيچ خبري از معنويات در ميآن آنان نيست و نه آنگونه که صوفيانه در عالم به ظاهر معنوي غرق شوند که گويي از جهان مادي بي خبرند.

تمدن نوين اسلامي در پرتو جامعه سالمي شکل مي گيرد که تعادل در دو ساحت مادي و معنوي انسان را فراهم کند. ساحت معنوي در جامعه مطلوب اسلامي براساس آيات قرآن کریم با ايمان و عمل به دست مي آيد و حيات طيبه نام مي گيرد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» «هر کس از مرد و زن که کاری نيك و شايسته کند در حالی که مؤمن باشد هر آينه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداريم». (نحل/ 97)

اسلام براي رسيدن به چنين حيات پاک و معنوي و پيدايش جامعه سالم، تدابير ارزشي متنوعي را تدارک ديده است. نخستين تدبير حفظ آبرو، احترام و اعتبار و شخصيت اجتماعي افراد است و اين امر هم براي خود آدمي ضروري است و نسبت به ديگران واجب مي شود هيچ فردي حق ندارد حيثيت و آبروي خود را در معرض اتهام قرار دهد. حضرت علي (عليه السلام) مي فرمايد: هر کس خود را در معرض اتهام قرار دهد

نباید کسی را که به او بدگمان می‌شود، سرزنش نماید. (سید رضی، 1386ش، حکمت 159)

واضح است که دیگران نیز حق ندارند به حیات معنوی کسی دست اندازی کنند بلکه باید به آن احترام گذارند و اگر فردی به درست یا نادرست خود را برتر از دیگران بداند بی آنکه منوجه نقش حیاتی سایر گروه های جامعه باشد دچار غرور کاذب شده و باعث خدشه دار شدن شخصیت و حیات معنوی دیگران می‌شود به همین خاطر اسلام «حق پوشاندن عیوب» را به عنوان امری که عامل حفظ آبروی دیگران می‌شود امری ضروری می‌داند.

جان کلام آنکه مسیر سیاست گذاری و برنامه ریزی برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی در تمام بخش های جامعه باید در جهت تحقق تعادل در همه ابعاد باشد.

4- نتیجه گیری

سیر تکاملی روابط افراد در زندگی اجتماعی و ساختار تمدن های گوناگون به تدریج از یک حالت ابتدایی و ساده به سوی پیچیده تر شدن آثار مثبت و منفی زیادی را به بار آورده است که در این میان می‌توان گفت آثار مخرب آن بیشتر بوده است. در عصر حاضر بشر در عرصه ابزار و فناوری ها پیشرفت چشمگیری داشته است اما در این فرایند انسان ها با خودشان بیگانه شده اند. اگر روند زندگی بشر بدین گونه پیش رود بسیاری از معیارهای اصیل جامعه انسانی به طور کامل به فراموشی سپرده می‌شود و این امر برای آینده بشریت بسیار خطرناک است و همان گونه که مشاهده می‌شود پیشرفت فن آوری هیچ ارمغان مفید اجتماعی به همراه نداشته است و نه تنها در این پیشرفت ها سرافرازی اجتماعی و معنوی انسان ها حاصل نشده است بلکه آسایش و آرامش بشری با خطر جدی روبرو شده است و جا دارد که بازگشتی به معنویات و تعادل در امور زندگی جهت شکل گیری تمدنی نوین آن هم براساس باورهای الهی صورت گیرد.

حال در بازنگری در وضع موجود جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی می‌تواند موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

الف: در مساله رابطه انسان با هستی و طبیعت باید توانایی انسان در بهره وری از منابع طبیعی و نعمت های الهی ضابطه مند و مقبول عقل و دین قرار گیرد.

ب: در مساله رابطه انسان با جامعه در جهت ساختار و شکل گیری تمدن نوین اسلامی، حرکت باید مطابق با اهداف متعالی دین اسلام باشد و همه مسلمانان سرافرازانه در به وجود آوردن تمدن نوین اسلامی آنگونه

که مطلوب خداوندي هماهنگ شوند و از آن دفاع کنند.

ج: در مورد رابطه آدمي با خود و ساير انسان ها بايد گفت که تجديد نظر جدي در کيفيت ارتباطات اجتماعي ضروري و الزامي است و شکل گيري تمدن نوين اسلامي در گرو اجرايي شدن اصولي همچون عدل، احسان، امنيت در همه ابعاد و در بهترين شکل آنهاست.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

منابع:

1- قرآن کریم. ترجمه: مجتبوي، سيد جلالدين. تهران: حکمت. 1371 ش.

2- ابن فتال نيشابوري، محمد بن حسن بن علي بن احمد بن علي. روضة الواعظين. قم: رضي. بي تا.

3- احمدي، مجيد و محمد عماره. امنيت اجتماعي در اسلام. تهران: ايلاف. 1383ش.

4- بابازاده، علي اکبر. شيوه هاي درمانی مفاصل اجتماعي. قم: دانش و ادب. 1381ش.

5- بخاري، ابو عبداً محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغیره بردزیه. صحيح بخاري. تحقيق: ديب البغاء، مصطفى. بيروت: دار ابن كثير. 1414ق.

6- پاينده، ابوالقاسم (گردآورنده). نهج الفصاحه. تهران: دنياي دانش. بي تا.

7- تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحكم و درر الكلم. قم: دفتر تبليغات اسلامي. 1366ش.

8- حر عاملي، محمد بن حسن بن علي بن محمد بن حسين. وسائل الشيعه. قم: آل البيت. 1409ق.

9- حق پرست، مقصود. عدالت اجتماعي در سیره علوي. تهران: مهرآوه عصر. 1386ش.

10- خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيله. چاپ چهارم. قم: اسماعيليان. 1410ق.

11- سيد رضي، ابوالحسن محمد بن حسين موسوي. نهج البلاغه. ترجمه: دشتي، محمد. چاپ سوم. قم: بوستان كتاب. 1386ش.

12- شعيري، تاج الدين محمد بن محمد بن حيدر. جامع الاخبار. قم: آل البيت. 1414ق.

13- صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه. من لا يحضره الفقيه. تحقيق: غفاري، علي اكبر. چاپ سوم. قم: جامعه مدرسين. 1413ق.

14- كليني، محمد بن يعقوب. اصول كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلاميه. 1365ش.

15- كليني، محمد بن يعقوب. فروع كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلاميه. 1365ش.

16- كليني، محمد بن يعقوب. روضه كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلاميه. 1365ش.

17- متقي هندي، علاء الدين علي بن حسام الدين. كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال. بيروت: الرسالة. 1409ق.

18- محدثي، حسن. دين و حيات اجتماعي. تهران: فرهنگ و اندیشه. 1381ش.

19- محسني گرگاني، احمد. زكات در اسلام. چاپ دوم. قم: پيام مهدي. 1379ش.

20- مصباح يزدي، محمد تقی. اخلاق در قرآن. تحقيق و نگارش: اسكندري، محمد حسين. قم: موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره). 1376ش.

21- موسوي لاري، مجتبي. اسلام و سيماي تمدن غرب. چاپ نهم. قم: دفتر انتشارات اسلامي. 1385ش.

22- ناطقي، محمد تقی. پايه هاي روابط اجتماعي از ديدگاه اسلام. قم: معبود. 1381ش.

[5] کلینی، اصول کافی ج 2 ، روایات مربوط به عدم ارتباط با فاسقان ؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 16 ، باب تحریم مجالسه اهل المعاصی ؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 8، باب تحریم مصاحبه الکذاب و الفاسق و البخیل و الاحمق و ج 12، باب تحریم مجالسه اهل المعاصی ؛ تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم ، ص 431 ، باب ذم قرین السوء و باب مصاحبه الاشرار و آثارها .

[6] رجوع کنید به کتاب «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال» نوشته علاء الدین علی بن حسام الدین، باب خمس و زکات و کتاب «زکات در اسلام» نوشته احمد محسنی گرگانی.

[7] سوره حدید آیه 20 ؛ سوره تکوین آیه 1

[8] سوره توبه آیه 34

[9] سوره اعراف آیه 31 ، سوره اسراء آیه 27 ؛ سوره فرقان آیه 67